

گزارش هیات اعزامی از سوی رهبر انقلاب به سیستان و بلوچستان



هیأت اعزامی رهبر معظم انقلاب اسلامی برای بررسی وقایع اخیر به استان سیستان و بلوچستان در بیانیه‌ای خطاب به مردم شریف این استان با تشکر از الطاف آحاد مردم غیور استان سیستان و بلوچستان و با اشاره به سفر یک هفته‌ای این هیات و دیدارها و ملاقات‌های متعدد با بزرگان، علما، سران طوایف، نخبگان، جوانان و قشرهای مختلف مردم از تقدیم گزارش این سفر به رهبر انقلاب اسلامی و پیگیری تدابیر ایشان در چهار محور اصلی یعنی «آزادی دستگیرشدگانی که جرم سنگین و مؤثری مرتکب نشده بودند»، «برخورد قاطع و بدون تسامح با خاطپان»، «رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان» و «اعطای عنوان شهید به جانب‌اختگان بی‌گناه پس از رسیدگی بنیاد شهید به پرونده‌های تشکیل شده» خبر داد.

متن بیانیه به این شرح است:

هموطنان شریف و سلحشور استان سیستان و بلوچستان!
به سلام و تحیت، هیات اعزامی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی بر خود فرض می‌داند از مراحیم و الطاف آحاد مردم غیور، جوانان و بانوان شرکت‌کننده در اجتماعات و همایش‌هایی که در طول سفر برگزار شد، مسئولان استانی، علمای برجسته، ائمه محترم جمعه و جماعات از اهل تسنن و تشیع، معتمدان، سران قبایل و طوایف و ریش سفیدان، نخبگان دانشگاهی، اساتید و معلمان، خانواده مکرم شهدا و آسیب‌دیدگان، در استقبال و میهمان نوازی و همراهی و همدردی برای انجام مأموریت محوله، استماع ابعاد حوادث تلخ رخ داده و دریافت گزارش‌ها در خصوص قصور و تقصیر محرکان، مسببان و خاطیان، صمیمانه تقدیر و تشکر نماید. آنچه که از غروب روز شنبه ۲۱ تا صبح روز جمعه ۲۷ آبان‌ماه در جمع باصفای شما دیدیم و شنیدیم، چه در مواجهات شیرینی که با ابلاغ سازمان گرام و پرهمر رهبر معظم انقلاب داشتید، چه در طرح گلابه‌های صریح، درددل‌ها و تشریح ناملایمات و مظلومیت‌ها، چه اشک‌ها و لبخندها، بن‌مایه‌های ژلال و مثال‌زدنی که از وفاداری و عشق و ارادت به ایران و نظام اسلامی و اهتمام به حفظ وحدت و تمامیت ارضی داشت که جز با درک ویژگی‌های شخصیتی و ریشه دار در تاریخ کهن مردمان خونگرم و مهربانان غیور آن خطه قابل تحلیل نیست.

هم از این روست که دشمنان دین و ملت و میهن، برای بهره‌برداری از متن و حاشیه وقایع تلخی که رخ داده و در جهت دستیابی به هدف پلید و دیرینه خود که همانا ایجاد شکاف در پیکره واحد امت مسلمان و تضعیف انسجام ملی است، دچار اشتهای محاسباتی شده و با اغنام فرصت، همه داشته‌های خود را به میدان آوردند و لیکن با هوشیاری و درایت مردم صبور استان به نتایج مورد انتظارشان دست نیافتند.

این هیأت به اقتضای بارسنگین امانتی که بر دوش داشت، طی مدت حضور در استان، ۲۱ برنامه با مخاطبان متنوع و صدراالآشاره را با تدبیر و حضور مؤثر نمایند، محترم ولی فقیه تدارک دید و افتخار داشت در جریان دیدارها و جلسات و شوراها و بازدیدهای میدانی و شرکت در اجتماعات پرشور مردمی در زاهدان و شهرهای زابل، خاش، سراوان، ایرانشهر، دلگان و چابهار، با ارتباط و استماع چهره به چهره و سینه به سینه، امکان بررسی مصداق رخ داده و بلکه بررسی عمیق‌تر و راهبردی‌تر از زمینه‌ها و عوامل تشدیدکننده را پیدا نماید. متعاقب این سفر و بازگشت به تهران، جلسات متعددی برای تحلیل و جمع‌بندیافته‌ها و برداشت‌ها و همچنین تنظیم فهرستی از پیشنهادها و نتایج حاصل شده برگزار شد که در نهایت، خروجی و ماحصل آنها در قالب گزارش تلخیصی هفت صفحه‌ای و گزارش تفصیلی ۶۰ صفحه‌ای، روز گذشته به محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی تقدیم شد.

هیأت اعزامی، علاوه بر آن که در طول سفر به اندازه وسع و توان، برای استماع، مستندسازی و جمع‌بندی نظرات علما، نخبگان، بزرگان طوایف، مسئولان و عموم مردم، اعم از اهل سنت و شیعیان و تسلاّی خاطر خانواده شهدا و مجروحان حوادث اخیر تلاش نمود و در راستای تحقق کامل تدابیر رهبر معظم انقلاب، محورهای زیر را پیگیری نمود:

۱) آزادی دستگیرشدگانی که جرم سنگین و مؤثری مرتکب نشده بودند

۲) برخورد قاطع و بدون تسامح با خاطیان

۳) رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان

۴) اعطای عنوان: «شهید» به جانب‌اختگان بی‌گناه، پس از رسیدگی بنیاد شهید به پرونده‌های تشکیل شده

در پایان، اعضای هیأت اعزامی، ضمن سیاس از اعتماد رهبر معظم انقلاب، آرزومندند که در سایه امنیت و به‌دور از حاشیه‌ها، خط پیشرفت متوازن با سرعت بیشتر به همت دولت خدمتگزار و مسئولان خدم و همیاری مردمی ادامه پیدا کند و پروردگار متعال را برای فراهم شدن امکان و توفیق این خدمت کوچک شاکر است.



نمایشگاه انزجار افکار عمومی از رژیم صهیونیستی

سخنگوی وزارت خارجه با اشاره به فضای منفی علیه صهیونیست‌ها در جام جهانی قطر گفت: رژیم اسرائیل، منفور ملت‌هاست. ناصر کنعانی در تویتی با اشاره به فضای ضد صهیونیستی حاکم بر جام جهانی فوتبال در قطر نوشت: جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال در قطر به نمایشگاه انزجار افکار عمومی از رژیم آپارتاید صهیونیستی و اعلام همبستگی ملت‌ها با آرمان فلسطین تبدیل شده است. وی افزود: توافق نامه عادی سازی با برخی دولت‌های عربی هرگز نفرت ملت‌های عربی را برطرف نکرده است.



رئیس جمهور امروز به کردستان می‌رود

معاون اجرایی دولت سیزدهم گفت: رئیسی امروز برای افتتاح طرح آب‌رسانی به سنجند و دیدار با علما، نخبگان و مردم به استان کردستان خواهد رفت. به گزارش مهر، محسن منصوری معاون اجرایی دولت سیزدهم در حاشیه جلسه دیروز هیأت دولت در جمع خبرنگاران، گفت: با حضور رئیس جمهور طرح آب‌رسانی به سنجند که از مشکلات جدی مردم آن شهر بود، افتتاح می‌شود. ۸۵۰ میلیارد تومان اعتبار این پروژه است. وی همچنین گفت: جلسه‌ای هم با حضور علما و نخبگان استان کردستان با حضور رئیس‌ی بزرگاز خواهد شد. رئیس جمهور با مردم نیز دیدار می‌کند.

نمی‌آمد چنین فشاری را بر تهران در پوشش حقوق بشر آغاز کنند؛ یعنی از دولت‌های کانادا و استرالیا گرفته تا کشورهای ترونیکای اروپایی در آلمان و فرانسه که رسماً سفارتخانه‌های خود را در تهران تبدیل به اتاق جنگ علیه ایران کرده بودند و براساس این فشار به ماشه‌ای مثل قطعنامه حقوق بشری رسیدند. دستگاه دیپلماسی می‌تواند با توجه به رفتارهای به‌شدت متناقض غرب در زمینه حقوق بشر فعالیت‌تر رفتار کند.

اعلام جرم علیه حامیان سلاح‌های شیمیایی

به‌طورمثال ایران یکی از بزرگ‌ترین قربانیان به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی به دست رژیم صدام است؛ به‌طوری‌که بیشتر از صدهزار مصدوم شیمیایی در کشور داریم که از این تعداد ۱۷هزار جانباز دچار عوارض شیمیایی متوسط و شدید هستند اما مواضع و رفتار متناقض غرب در برخورد با آسیب‌دیدگان سلاح‌های شیمیایی در ایران تنها نادیده‌انگاری ارتش بعث عراق ازجمله آلمان منوط به جرم‌انگاری صدای بلند همین کشورهای مدعی از آمریکا تا ترونیکا درباره ادعای نقض حقوق بشر توسط ایران و راه‌انداختن کارناوال جهانی در سازمان ملل برای محکومیت حقوق‌بشری ایران است!

بنابراین با توجه به عدم جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی ایران، داد‌خواهی کفیری یا مدنی مصدومان شیمیایی ایرانی و خانواده‌های آنها از مقامات وقت عراق و همچنین افراد کمک‌کننده به تسلیح شیمیایی ارتش بعث عراق ازجمله آلمان منوط به جرم‌انگاری دقیق جنایات بین‌المللی مثل جرم به‌کارگیری سلاح شیمیایی به‌عنوان مصداق جنایت جنگی است که باید در این روزها با رویکرد متفاوتی دنبال شود. از سوی دیگر، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا در دادگاه‌های داخلی ایران از جهت کمک به تسلیح ارتش عراق به سلاح‌های شیمیایی در چارچوب اصل عمل متقابل هم امکان‌پذیر است؛ موضوعی که باید در فضای عملیاتی‌تری دنبال شود، به‌ویژه در این جنگ حقوق‌بشری دروغینی که به بهانه رویدادهای ۶۰ روز اخیر علیه ایران به راه انداخته‌اند اما خودشان تاریخ سیاهی در زمینه حقوق بشر دارند. نکته دیگر در این زمینه که اهمیت دارد موضع همکاری‌های همیشگی ایران و روسیه است که غرب سعی دارد آن را به حمایت ایران در جنگ با اوکراین تقلیل دهد و فشار دیگری در سطح بین‌الملل علیه ایران ایجاد کند. بنابراین، این موضوع باید بهتر درک و دنبال شود و دیپلماسی‌ما در داخل و بیرون از کشور فعالیت‌تر عمل کند.

دست برتر در جنگ دیپلماسی

درحالی‌که به‌نظرمی‌رسد اکنون در سطح خرد و مشخصا سفارتخانه‌ها نمی‌توان کار خاصی را پیش‌برد مادامی که در سطح کلان اقدامات ایجابی‌تر و گشایشی دنبال نشود، بنابراین چه در مسأله تعامل با روسیه و خوانشی که غرب دوست دارد از آن ارائه دهد، چه مباحث حقوق‌بشری و چه ادعاهای اخیر شورای حکام آژانس می‌توانیم از موضعی بالاتر، اقتاعی‌تر و فعالیت‌تر عمل و موضع دست برتر را در این جنگ دیپلماسی تثبیت کرد.



قطعنامه‌ها تکمیل‌کننده جنگ ترکیبی علیه تهران است

«دیپلماسی تنها جمی» گمشده وزارت خارجه

تاخیر در شورای امنیت سازمان ملل متحد بسنده کردند، در عرض هفت روز با صدور دو قطعنامه ضدایرانی ماشه قطعنامه را فعال کردند.

سکاس سوم؛ نیاز به عملیات ویژه وزارت خارجه

بعد از هر دو قطعنامه موضع ایران مشخص نبود، در مورد اول یعنی قطعنامه ۲۶ آبان که سازمان انرژی اتمی کشورمان فردو را به مرز ۶۰درصد رساند و در مورد دوم هم یعنی قطعنامه ۳ آذر ایران به‌صراحت اعلام کرد با این کمیته حقیقت‌یاب همکاری نخواهد کرد، چون معتقد است استفاده عجولانه از سازوکارهای حقوق بشری هیچ کمکی به مفهوم حقوق بشر نخواهد کرد.

گرچه ما نمی‌توانیم صدور هیچ‌یک از قطعنامه‌های ضدایرانی یعنی چه قطعنامه آژانس و چه قطعنامه حقوق بشری را متوجه کم‌کاری دستگاه دیپلماسی کشورمان بدانیم و این وضعیت قطعا ناشی از فشار کشورهای ترونیکا و آمریکا در شرایط بین‌المللی علیه ایران است اما حتما می‌توانیم برای اثرگذاری و مقابله متناظر و به‌لحظه این مطالبه را داشته باشیم که

دستگاه سیاست خارجی کشورمان در این جنگ جهانی غرب علیه ایران فعال‌تر و اثرگذارتر رفتار کند.

فضای التهابات در دو ماه اخیر در ایران سبب فشار افکارعمومی در خارج از ایران و به‌ویژه گروهک‌های تخریبه‌طلب و برانداز روی دولت‌های خارجی شد. آن‌هم در شرایطی که این دولت‌های غربی خیلی بدشان

بود. این اقدام آژانس که عملا در راستای اعمال فشار سیاسی آمریکا و ترونیکای اروپا بر ایران صورت گرفت بار دیگر نشان داد جبهه غرب تلاش دارد ایران را به عدم همکاری با آژانس متهم کند، چون این اقدام درست در زمانی که ایران مشغول ریزنی با آژانس بود رقم خورد اما در برابر این رفتار ضدسیاسی، همان‌طور که ایران در برابر قطعنامه خردادماه آژانس اقدام متقابل انجام داد، درخصوص قطعنامه آخر آبان هم غنی‌سازی ۶۰درصد در فردو را آغاز کرد.

سکاس دوم؛ جنگ با حقوق بشر

شامگاه سوم آذر بود که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به بهانه اغتشاشات در ایران با محوریت دولت برلین قطعنامه‌ای را درباره آنچه «وضعیت حقوق بشر در ایران» خواند، تصویب کرد.

تصویب این قطعنامه به معنای موافقت این شورا با تشکیل یک هیأت حقیقت‌یاب درباره‌اعاها درخصوص نقض حقوق بشر توسط ایران در اغتشاشات اخیر بود که با ۲۵ رأی موافق و ۲۱ رأی مخالف و متنع (۶مخالف و ۱۵متنع) به تصویب رسید و چین، پاکستان، اتریه، ونزوئلا، کوبا و ارمنستان شش‌کشوری هستند که به این

قطعنامه رأی منفی و کشورهای بولیوی، برزیل، کامرون، ساحل عاج، هند، اندونزی، قزاقستان، مالاوی، مالزی، موریتانی، نامیبیا، قطر، سنگال، سودان، امارات و ازبکستان به قطعنامه رأی ممتنع دادند. کشورهای مدعی برچمداری حقوق بشر که در جنگی هشت‌ساله که عراق علیه ایران تحمیل کرد فقط به دو قطعنامه انفعالی، بی‌رقم و با

تحلیل

تروریسم علیه هویت ملی



تروریسم علیه ملیت

به هر حال همان‌طور که ورود به فاز تروریسم، ماهیت ضد مردمی این جریان را روشن کرد، ایجاد کارزار علیه ملیت، پرچم و هویت ایرانی هم به بهانه تیم ملی و جام‌جهانی برای مردم روشنگری کرد که بدانند مسأله آنها ابدا رفتار حکومت نیست بلکه دغدغه اصلی جای دیگری است و مشکل آنها با خود ایران است. گرچه این جریان بعد از پیروزی تیم ایران در مقابل ولز و هیجان و خوشحالی وصف‌نشدنی مردم برای آن برد شیرین، به شوک و سکوت سنگین فرورفت اما با شکست مقابل آمریکا به فاز ضدایرانی خود بازگشتند؛ نکته‌ای که این موضوع را متفاوت می‌کند این است که ایستادن آنها در برابر هویت ایرانی چیزی نیست که قابل مماشات باشد، چون هویت ایرانی نقطه نزاع هیچ‌کدام از ما با هر سلیقه سیاسی نیست که قابل تجزیه شدن باشد.

مسأله دیگر فقط جمهوری اسلامی نبود؛ ما عملا و رسماً درگیر یک جنگ هویتی و ماهیتی بودیم که هدف اصلی آن منغروسازی یک‌ملیت و ایرانی‌گری بود. روندی که برای آن، چنان مارپیچ سکوتی ایجاد شد که برخی دچار این توهم شدند که تیم ملی ایران، تیم جمهوری اسلامی است! اتفاقی که در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه بود اما وقتی شما در یک جنگ هیبریدی پیچیده قرار بگیرید، معادلات فرق می‌کند و دشمن به‌خوبی فهمیده بود برای ادامه این جنگ ترکیبی باید ملیت و ایرانی بودن را تقلیل دهد؛ رویکردی که به عنوان آلت‌رناتیو تجزیه‌طلبی هم عمل می‌کرد.

تیم ملی نماینده جمهوری اسلامی نبود؛ همان‌طور که قبل از انقلاب هم نماینده رژیم شاه نبود. تیم ملی ایران نماینده ۸۵ میلیون ایرانی بود اما جنگ طلمان و دیکتاتورهایی که بیانیه کمیته‌های بی‌نام و نشان محلات جوانان ایران را منتشر می‌کردند و با مجاهدینی کردن فضای خیابان‌ها، سعی داشتند ایران را به پرتگاه جنگ داخلی بکشانند، نیاز داشتند این دروغ را تثبیت و ذهن‌ها را آلوده چنین گزاره احمقانه‌ای کنند، این دیگر نه فقط جنگ علیه جمهوری اسلامی که جنگ علیه هویت ملی همه ما بود.

چون بعد از ترور مردم در خیابان و عملیات تروریستی از شاه‌جراح تا آئیده، تبهکاران رسانه‌ای‌شان در فضای مجازی به دنبال ترور تیم‌ملی بودند. این همان نقطه‌ای است که تروریسم شهری به تروریسم رسانه دست داده و هم کانون می‌شوند.

مشکل آنها ایران است نه جمهوری اسلامی

ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی در این زمینه معتقد است: «این موضوع اتفاق نادری

خبر

مکت

تلاش برای اپیدمی ویروس بی‌هویتی

و بزرگنمایی چالش‌ها در داخل ایران، بخشی از این پروژه رسانه‌ای -امنیتی برای ایجاد چندپارگی در ایران بود. طراحان این پروژه که می‌دانستند نمی‌توانند به‌سادگی با ایران مقابله کنند، با این توجیه که تلاش‌های صورت گرفته علیه حاکمیت مستقر در ایران است و نه هویت تاریخی ایران، شروع به بازگریز از میان ایرانیانی کرده که بیرون از وطن زندگی می‌کردند و راحت‌تر جذب پروژه‌های ضدایرانی می‌شدند.

با رشد شبکه‌های اجتماعی و پیدایش رنسل Z که زیستی ارتباطی در جهان مجازی داشت، ویروس بی‌هویتی از بیرون مرزها به داخل کشیده شد و آنها‌که تجربه کشور را پیگیری می‌کردند، ابتدا این تجربه را در ذهن‌ها پدید آوردند.

تخریب تیم ملی، سوزاندن پرچم، توهین به سرود ملی و تضعیف همه مؤلفه‌های وحدت ملی، ازجمله اقدامات صورت‌گرفته برای بی‌وطن کردن ایرانیان وزمینه‌سازی برای فروپاشی کامل ایران بود.

با این‌که بخش بزرگ جامعه ایرانی با آگاهی در برابر ویروس بی‌هویتی مقاومت کرده و مانع از اپیدمی سراسری آن در داخل کشور شدند اما شادی برخی ایرانی‌ها از شکست تیم ملی در جام‌جهانی نشان می‌دهد که این ویروس در میان برخی شهروندان ایرانی نفوذ کرده و آنها را در برابر بحران بی‌هویتی آسیب‌پذیر کرده است.

حالا با پایان بازی‌های ایران در جام جهانی وقت‌آن است که در داخل کشور سیاست‌های فرهنگی آسیب‌شناسی شده و واکنس‌هایی قدرتمند برای مقابله با رشد ابتلا به ویروس بی‌هویتی ملی تزریق شود، ایجاد آگاهی ملی نسبت به تلاش دولت‌های ضدایرانی برای حذف کامل ایران از نقشه جهان که پیش از این در قالب طرح «خاورمیانه بزرگ» عملا بر آن تاکید شده بود، می‌تواند قریب خوردها در داخل و خارج کشور را آگاه کند که خیانت به ایران، خیانت به تاریخ و پشت کردن به نسل‌های بعدی ایرانی است که اگر در برابر دشمنان ایران زانو برنیم، ما را به سبب پشتیشانی نکردن از وطن به‌مثابه مادری کهپسال، نخواهد بخشید.